

**«نص»؛ از راه‌های شناخت امام برای شیعیان**

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: اهمیت «نص» در شیعه، خصوصاً در شیعه امامیه بر کسی پوشیده نیست، یکی از سه راه اصلی شناخت امام برای شیعیان نص است.



عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: اهمیت «نص» در شیعه، خصوصاً در شیعه امامیه بر کسی پوشیده نیست، یکی از سه راه اصلی شناخت امام برای شیعیان نص است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی صادقی کاشانی، عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامیبه گزارش ایکنآ از خراسان رضوی، حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی صادقی کاشانی، عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در نشست علمی «نص بر امامت در احادیث امام کاظم(ع)، امام رضا(ع) و امام جواد(ع)» که به همت پژوهشکده علوم اسلامی رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی به مناسبت دهه پایانی ماه صفر، امروز ۱۹ شهریورماه، به صورت مجازی برگزار شد، اظهار کرد: اهمیت «نص» در شیعه، خصوصاً در شیعه امامیه بر کسی پوشیده نیست، یکی از سه راه اصلی شناخت امام برای شیعیان نص است.

وی ادامه داد: از بین راه‌های شناخت امام، نص اصلی *المصداق*؛ تر است، بعد از آن معجزه که از آن تحت عنوان کرامت نیز یاد می‌شود و بعد از آن، علم، دانش و برتری علمی ائمه اطهار است. در هر صورت باید قبل از این موارد، نص بر امامت ثابت شده باشد که در مرحله نخست، از سوی خداوند متعال، پیامبر(ص) برای یکایک ائمه اطهار این مورد وجود دارد و همچنین نصی که هر امام برای جانشین خود بیان می‌کند و وظیفه تعیین را انجام می‌دهد. هر دو مورد ضرورت و اهمیت دارد، اما بحث این است که نصوص به چه شکل انجام شده و به دست ما رسیده است.

صادقی کاشانی بیان کرد: برخی از کتب حدیثی شیعه امامیه که مهم‌ترین آن‌ها کتاب «کافی» است، به این موضوع اختصاص داده شده است و ابواب نصوص داریم. در کتاب‌های دیگر نیز روایت‌هایی جمع‌آوری شده است.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: روایتی از امام رضا(ع) در خصوص اهمیت نص بر امامت وجود دارد و می‌فرماید که وقتی این احساس وجود دارد که دنیا را ترک می‌کنند، البته اینجا فوت تعبیر دارد، امام بعدی را تعیین کنند که این روایت در کتاب کافی آمده است. نص بر اصل موضوع امامت و ۱۲ امام

وی گفت: بحث نخست، نصوص کلی بر ۱۲ امام است که در دو بخش عدد و نام ائمه اطهار مطرح می‌شود. در ابتدا پیامبر(ص) از جانب خداوند، نص بر اصل موضوع امامت و ۱۲ امام و نام آن‌ها را نیز بیان کرده است. در خصوص عدد ائمه اطهار در ابواب نصوص و کتاب‌های دیگر مانند «کفایة الاثر» بیشتر به این موارد پرداخته شده است. از امام کاظم(ع)، امام رضا(ع) و امام جواد(ع)، روایتی وجود ندارد، بیشترین روایت موجود در این موارد، از صحابه و تابعین است.

صادقی کاشانی تصریح کرد: در مرحله دوم بعد از عدد ائمه اطهار، در خصوص نام ائمه اطهار، از صحابه و تابعین بیشترین روایات توسط شیعیان جمع‌آوری شده است. از ۳۴ روایتی که نام امامان را کتاب‌ها درج شده است، دو خبر از امام رضا(ع) و امام جواد(ع) وجود دارد که البته با توجه به اینکه امام هشتم و نهم هستند، آن موضوعیتی که در خصوص شخص پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) و حتی خمس طیبه وجود دارد که این ۱۲ امام و جانشینان خود را معرفی کنند و نام ببرند، در موضوع امام هشتم و نهم وجود ندارد، به خصوص برای امام هادی(ع) که تنها یک امام بعد از خود را معرفی می‌کند. بنابراین این موارد را نمی‌توان به عنوان روایاتی که نام ائمه اطهار را بیان کردند، ذکر کنیم.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: به عنوان مثال روایتی از دعبل خزایی از امام رضا(ع) نقل شده که از ابتدا تا امام عصر(عج) ذکر می‌شود، از ۲۰ روایتی که از مرحوم کلینی در کافی در خصوص نص بر ائمه اطهار وجود دارد، دو خبر به نام کامل ائمه اطهار اشاره دارد که یکی از آن‌ها توسط ابوهاشم جعفری از امام جواد(ع) نقل می‌شود که در این روایت به نام ائمه اطهار اشاره شده است.

وی افزود: در کتاب «إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات» از شیخ حرعاملی، از منابع متأخر و عصر صفویه، این روایت وجود دارد که فضل بن شاذان، از امام رضا(ع) نقل می‌کند که ایشان نامه‌ای به مامون نوشت و در این نامه اشاره به امامت حضرت علی(ع) تا

صادقی کاشانی اظهار کرد: آنچه مهم است، نص خاص هریک از امامان بر امام بعدی است. به لحاظ تعداد روایات در کتاب کافی، در ابواب نصوص، نص امام صادق(ع) بر فرزندشان امام کاظم(ع)، ۱۶ روایت، نص امام کاظم(ع) بر فرزندشان امام رضا(ع)، ۱۶ روایت، نص امام رضا(ع) به فرزندشان حضرت جوادالائمه(ع)، ۱۴ روایت و نص امام جواد(ع) بر فرزندشان امام هادی(ع)، ۳ روایت است.

ویژگی های نصوص خاص در هر امام

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در خصوص ویژگی های نصوص خاص هر امام، اظهار کرد: براساس شکل و کیفیت، این نصوص در دو دسته ابتدایی و پاسخ به سوال قرار می گیرند. «ابتدایی» یعنی امام پیش از اینکه از ایشان سوالی پرسیده شود، وظیفه امامت خود را در تعیین می کند و به معرفی امام بعد از خود می پردازد. تا امام ششم به این صورت بوده است. اما از امام صادق(ع) در خصوص امام کاظم(ع) و ائمه دیگر، پاسخ به سؤال زیاد دیده می شود، که یاران آن حضرت، چه افراد مشهور و چه کسانی که کمتر در کنار ائمه اطهار بودند و از امام بعدی سوال می کردند، امام در بحث نص به آن ها پاسخ می داده است.

وی اضافه کرد: یک دست پرسش درخصوص معیارهای شناخت امام است، روایت نصوص ائمه اطهار و سه امام مورد بحث ما، با محوریت امام رضا(ع)، گاهی ذکر پرسش از معیارها است. به عنوان مثال از امام رضا(ع) سوال پرسیده می شود که اگر امام از دنیا برود، جانشین او چه طور انتخاب می شود که امام(ع) به نص و وصیت اشاره می کند و یا می پرسند آیا عمو و دایی نیز می تواند به عنوان امام بعدی انتخاب شود و امام رضا(ع) پاسخ می دهد که تنها فرزند می تواند به عنوان امام بعدی انتخاب شود.

صادقی کاشانی گفت: دسته دوم پرسش از شخص امام است که نام و شخص امام بعدی پرسیده می شد. در یک مرحله امام از پاسخ طفره می رفت. مردمان به امام رضا(ع) می گفتند که می خواهیم ما را از آتش نجات دهی و حتی گریه می کردند که دست ما را بگیر و امام بعدی را به ما نشان بده و امام می فرمودند وقت این سؤالی که پرسیدی، در حال حاضر نیست و منظور امام این بوده که من در حال حاضر در قید حیات هستم و پاسخ این سؤال را به موقع به شما می دهم.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی بیان کرد: شکل دیگر پاسخ غیر صریح است. به این صورت که امام با اشاره و کنایه پاسخ می دهد. فیض ابن مختار گفت وگویی با امام ششم دارد که از ایشان در خصوص اسماعیل دیگر فرزند آن حضرت، می پرسد و امام پاسخ می دهد که او مانند من نسبت به پدرم نیست، به این معنا که او امام نیست. در نهایت امام اشاره می کند فرزندش کاظم(ع) جانشین او است.

وی افزود: گاهی این پاسخ نیز به صورت صریح بوده است. فیض ابن مختار از امام صادق(ع) در خصوص امام بعد از ایشان سؤال می پرسد که امام پاسخ صریح می دهد و جانشین بعد از خود را تعیین می کند.

صادقی کاشانی گفت: موضوعی که در بین عموم شیعیان رواج دارد، این است که برخی روایات هم این گونه هستند که در زمان پیامبر(ص) همه افراد بر ۱۲ امام و نام آن ها واقف بودند. اما وقتی از مباحث کلامی و حدیثی فاصله گرفته و وارد مباحث تاریخی می شویم، این موضوع به چشم می خورد که نصوص ۱۲ امام در همه افراد نبوده است، به این صورت که گاهی فردی مشهور و گاهی افراد غیرمشهور از این مسئله اطلاع پیدا می کردند.

عضو هیئت علمی پژوهشکده تاریخ و سیره پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با بیان اینکه شیعیان اطلاعات لازم از نصوص ۱۲ امام خود نداشتند، بیان کرد: وقتی سؤالاتی از امام می شود و پیوسته از آن ها درخصوص امام بعدی می پرسند، نشان می دهد این اشخاص اطلاعی از جانشین امام بعدی ندارند که این پاسخ ها یا غیرصریح هستند و یا امامان می گفتند این مطلب را برای خود حفظ کن و آن را برای کسی بازگو نکن.

وی گفت: شکل سوم انشعابات است که در شیعه وجود دارد. بعد از امام ششم چندین فرقه شکل گرفت، اما آنچه شیخ مفید و دیگر شیعیان امامیه مطرح کردند این است که این انشعابات نشان می دهد که مسئله نص امامان برای شیعیان آن زمان روشن نبوده است و ائمه اطهار نیز صلاح نمی دانستند که این مسائل را به طور روشن بیان کنند.

صادقی کاشانی در پایان گفت: این مباحث نشان می دهد که ائمه اطهار شرایط کافی و لازم برای بیان نص بر جانشین خود را نمی یافتند. بحثی در خصوص اصل نص بر ۱۲ امام وجود ندارد. همان طور که اهل سنت نیز روایاتی در این خصوص نقل کردند و امکان متهم کردن شیعیان وجود ندارد، چرا که این روایات قبل از اینکه در میان شیعیان رواج داشته باشد، در میان صحابه و مجامع

اهل سنت بیان شده است و بعد از آن نام ائمه اطهار در روایات شیعیان بیان شده که مهم ترین آن روایت معراج است که با مضامین مختلف به آن اشاره شده است. اما اینکه تصور کنیم چه طور این انشعابات ایجاد شد به این دلیل است که این روایات در دست همه شیعیان و همه عموم رواج نداشت و ائمه اطهار نیز این مسائل را به طور صریح بیان نمی کردند.